



زندگی کردن به معنای فلسفیدن است/ هر انسانی اندیشمند است

دینانی گفت: وقتی انسان به ماهیت زندگی می اندیشد، آیا می توان گفت که این اندیشه مقوله ای پرت و پلاست یا اینکه در متن زندگی قرار دارد؟ قطعاً متن زندگی است. پس زندگی کردن به معنای فلسفیدن است

دینانی گفت: وقتی انسان به ماهیت زندگی می اندیشد، آیا می توان گفت که این اندیشه مقوله ای پرت و پلاست یا اینکه در متن زندگی قرار دارد؟ قطعاً متن زندگی است. پس زندگی کردن به معنای فلسفیدن است.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی در برنامه «سوفیا» رادیو گفت و گو با طرح پرسش هایی مبنی بر اینکه فلسفه چیست و مردم چه فهمی از فلسفه دارند، گفت: مادامی که منظور و معنی فلسفه فهمیده نشود، مجادلات فزونی گرفته و بحث به جایی نمی رسد.

وی فلسفه را به مفهوم فلسفیدن و در معنای مترادف آن به عنوان تعقل درست تعریف کرد و افزود: هر آدمی می اندیشد و تعقل می کند؛ خداوند انسان را عاقل آفریده تا با عقل خود کار کند؛ اما اندیشیدن ممکن است به راه خطا رود و برای دوری از خطا باید موازین منطقی به درستی رعایت گردد.

دینانی ادامه داد: هیچ انسانی از اندیشیدن مستثنی نیست؛ بدین مفهوم می توان گفت هر انسانی اندیشمند است، اما همین امر درجه و مراتبی دارد. یک فرد به ازدواج، نهار، البسه یا نوع اصلاح مو می اندیشد، اما فردی دیگر ضمن توجه به این مقولات، به چپستی زندگی نیز می اندیشد. به محض اینکه فرد وارد مقوله اندیشیدن به زندگی شد، سوالات دیگری در ذهن او شکل می گیرد. او باید بداند همیشگی است یا به جایی خواهد رفت؛ لذا باید به آغاز و پایان زندگی فکر کند و در این میان از زمان و مکان فراتر خواهد رفت و در این بین تعقل فرد عمیق تر می شود و این همان فلسفه است.

چهره ماندگار فلسفه تصریح کرد: در این باب ابن سینا و سقراط می فهمیدند که در حال فلسفیدن هستند، ولی یک فرد عامی متوجه این عمل نیست. وقتی انسان به ماهیت زندگی می اندیشد، آیا می توان گفت که این اندیشه مقوله ای پرت و پلاست یا اینکه در متن زندگی قرار دارد؟ قطعاً متن زندگی است. پس زندگی کردن به معنای فلسفیدن است؛ منتها کسی می فهمد که بسان فیلسوف ابن سینا یا سقراط زندگی کند. ولی کسی که نمی فهمد، نادان و احمق است.

دینانی زندگی روزمره را اندیشیدنِ احمقانه دانست و افزود: چنین فردی درباره اینکه چرا می خورد و می خوابد نمی اندیشد و اگر در پاسخ به سوالاتی در باب چرایی خور و خواب پاسخی احمقانه ارائه داد، دارای زندگی روزمره است و چنانچه به واقع بداند چرا زندگی می کند، فلسفه را می فهمد.

وی در پایان به مقوله تسلی فلسفی برای بشر اشاره کرد و گفت: انسان بیمار در رنج و نگرانی است. اگر قابل معالجه نباشد، عقل به او می گوید این بیماری از دست تو خارج است و لذا غصه خوردن برای آنچه از دست بشر خارج است، بی معنی است. چون معقول نیست که انسان برای آنچه از دست او خارج است، غصه خورد. این سوال را باید از عقل پرسید و پاسخ، همان تسلی فلسفی خواهد بود. عقل می گوید تا جایی که علاج پیش روی توست، باید کوشید ولی در آنجا که هیچ راه علاجی ندارد، عقل می گوید که غصه خوردن بی معنا و بی فایده است.